

کودک و حواس او

۱- تحریک بیرونی که همواره از بیرون تحریکات ذهنی وحسی را بوجود می آورد .

۲- نقل بواسطه اندام حسی که نشاءت گرفته از ناءثر یا احساسی از درون است .

اهمیت احساسات از این جهت است که مقدمه افکار و منبع اطلاعات و معلومات ذهنی بشر می باشند .

طبق نظریات پیشینیان حواس به پنج پدیده اصلی تقسیم می شود که عبارتند از: "حس بینائی، شنوائی، لامسه، چشائی و حس بویایی" اما تحقیقات تازه دانشمندان امروزی حواس دیگری را نیز کشف کرده مورد تحقیق و تعمق قرار

یکی از مهمترین جنبه های تربیتی کودکان تقویت و رشد دادن قوای حسی است . برای حصول این امر لازم است بطور کلی تعادل و پرورش ادراکات و انفعالات و افعال کودکان را در نظر گرفت ، زیرا هرکسی در زندگی اجتماعی در رفتار و کردار خویش شدت و یا ضعفهایی دارد که اسباب زحمت دیگر هموعانش می شود . در اینصورت شناخت ارگانهای حسی و بکارگیری صحیح آنها در پیش برد اهداف و ایمنی زندگی افراد بسیار ضروری است .

برای پرورش حواس باید به دوجنبه توجه داشت :



حس شنوائی که اندام آن گوش است از نظر صنعتی، شناخت اصوات و اختلاف آنها دارای بسی اهمیت است زیرا وسیله پیدایش صنعت موسیقی است که ملکوتی ترین صنایع بشمار می آید. روی همین اصل است که آنرا صنعت کمال نام نهاده اند.

شناخت اعضای ساختمان گوش و مراقبت و

داده اند. حواس نازه بدوران رسیده عبارتند از: "حس تعادل و جهات یابی، حس وضعی وعضلانی، حس داخلی، حس درد جسمانی و حس سرما وگرمای".

کودکی که تمام حواسش بخوبی رشد و نمو کرده باشد بشرط رشدقوای عقلی و عاطفی، در زندگی آینده خود شخصسالم، موفق و سریلندی خواهد بود. بنابراین والدینمحرتم و مربیان و آموزگاران وظیفه شناس باید سعی کنند که درپرورش و رشد حواس کودکان کوشا باشند تا ازاین مسیر بتوانند آنان را مردان و زنان پیروز مندی در روزگار آینده شان بار آورند.

نکاتی چند درمورد شناخت ویکارگیری حسهای موجود.

۱ - حس بینائی : چشم، بگفتهای مشهور سلطان بدن است. حس بینائی که اندام آن چشم است یکی از با ارزشترین و مهمترین حسها است. حس بینائی گذشته از اینکه برای آسایش زندگی کمال لزوم را دربردارد از نظر علمی و صنعتی واجتماعی نیز اهمیت بسزائی دارد.

توسط حس بینائی است که می توان به کودکان آموخت که چگونه نور و رنگهای مختلف را ازهم تمیز دهند، اززیبائیهای زندگی لذت ببرند و درنهایت بتوانند آینده درخشانی برای خود بوجود آورند. پس بایستی چگونگی مراقبت از چشمها و استفاده صحیح از حس بینائی رابه کودکان آموخت و بهاهمیت آن توجه داشت.

۲ - حس شنوائی : این حس یکی از مهمترین حواس بوده و از لحاظ اجتماعی از نقش حساس و مهمی برخوردار است، زیرا بدون کارائی آن از قوه تکلم که بزرگترین وسیله تفهیم و تفهم و ارتباط بین انسانها است نمی توان بهره مند بود.

پی بردن به اهمیت کار بردی آن از مهمترین نکاتی است که می بایست کودک از وهله نخست زندگی اش با آن آشنا گردد و در ایمنی و سلامتی آن کوشا شود. برای وصول به این نتیجه وظیفه والدین محترم و مربیان و آموزگاران مسئول است که با دادن آموزشهای صحیح و کافی به کودکان آنانرا به شناخت کامل و استفاده درست از حس شنوائی رهنمون شوند.

۳ - حس بویائی : این حس از نظر فایده جسمانی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده اندام آن بینی می باشد که وظیفه مهمی را در زندگی اشخاص بعهدده دارد. محل این حس



جسمانی بینهایت مهم است ، اما در رابطه با جنبه هنری کاربردی ندارد .

۵ - حس لامسه (بساوایی) : این حس بخاطر اهمیت ویژه‌ای که دارد مستقلتر از سایر حواس عمل می‌کند و بهمین خاطر است که حس لامسه را حس اصلی و سایر حواس را اشکال دقیق آن می‌دانیم . اندام حس لامسه پوست بدن است که کار آن درک تماس ، مقاومت ، وزن و شکل اشیاء است . شناخت ، مراقبت و تمیز نگاه داشتن پوست بدن یکی از اهم اطلاعاتی است که می‌بایست در نخستین وهله به آگاهی کودکان برسد .

بطوریکه در ابتدای سخن بیان کردید علاوه بر پنج حس اصلی و با عبارتی حواس پنجگانه شش حس فرعی دیگر نیز اخیراً " توسط دانشمندان درک و کشف شده است که عبارتند از "حس تعادل و جهات یابی ، این حس اشعاعی است از حس شنوایی که اندام آن مجاری نیم دایره‌ای گوش است و وظیفه اش نگاهداری تعادل بدن است . اگر این حس در بعضی از افراد ضعیف باشد در موقع حرکت ، تعادل و توازن خود را

قسمت بالای درون بینی و وظیفه آن درک انواع بوهاست . عبارت دیگر حس بویائی نقش ماء مور مخفی را برای ایمنی ساختمان بدن دارد .

پس اگر این حس دچار اشکالاتی شود ، امکان اتفاقات ناگواری در زندگی انسان پیش خواهد آمد . بنابراین شناخت کاربرد و مراقبت لازم از آن از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است . برای آنکه این حس بتواند قوای خود را تحریک کند و بوی چیزی را درک نماید ، لازم است درانی از آن در روی قسمت نمناک و حساس بینی قرار گیرد که این وظیفه توسط هوا انجام می‌شود بهمانگونه که امواج هوا وسیله انتقال و انعکاس روشنائی و صدا بچشم و گوش می‌باشند .

۴ - حس چشائی : بطوریکه آگاه هستیم اندام این حس زبان است که وظیفه اصلی آن درک انواع مزه هاست ، مزه‌های اصلی عبارتند از " شیرینی تلخی ، شوری ، ترشی و تندی ، " . تقویت این حس در جهت استفاده صحیح از آن در رابطه با درک کردن مزه اصلی انواع خوراکیها و لذت بردن از آنها بسیار حائز اهمیت است . بهمین خاطر است که حس چشائی از نظر فوائدها





نمی توانند برقرار سازند .

حس گرما و سرما : این حس انشعابی از حس لامسه (بساوایی) است که اندام آن در پوست یاخته ها و پی های بدن است . در تعدادی از افراد این حس حساس تر عمل می کند که در نتیجه اینگونه اشخاص طاقت کمتری در برابر سرما یا گرما دارند .

حس درد جسمانی : این حس نیز انشعابی است از حس لامسه (بساوایی) اما با تفاوت کلی ، زیرا پی ها و یاخته های حس لمس بسیار ظریفند و تماس را احساس نکرده ، فقط سبب احساس درد هستند .

عضلات ما در حرکت بوده باز و بسته می شوند . در این صورت حس وضعی و عضلانی تغییر وضعیت بدنی و عضلانی را درک می کند .

پرورش حواس

پرورش حواس باید از روزهای نخست زندگی کودک آغاز گردد .

چگونگی مراقبت و نظافت از حواس بنحو مطلوبی بایستی آموزش داده شود و در شناساندن ساختمان حساس آنها به کودکان توضیحات کافی داده شود .

شناخت ، مراقبت و استفاده صحیح از حواس پنجگانه پنجاه درصد تربیت کودک را دربر دارند ، اگر کودک از نخستین روزهای زندگی بر حواس پنجگانه خود وقوف کامل پیدا کند در آینده روزگارش فردی آگاه ، مستعد و موفق خواهد بود .

علی اکبر حسن زاده

حس خطای حواس : این حس اغلب نشانگر خطای حواس است بدین ترتیب که احساس حاصله برابر با چیزیکه وسیله آن احساس بوده نباشد . برای مثال چیزی مثل یک تکه چوب که نیمه آن در آب باشد ظاهراً "شکسته بنظر میرسد در حالیکه این قضیه درست نبوده و هر دو قسمت چوب راست و درست است ، پس نتیجه می شود که این خطای حواس است که چنین شکلی را بوجود می آورد .

حس درونی : این حس وابسته به پدید آمده بخصوصی نیست و اندام معین و ویژه ای نداشته بلکه عبارت است از مجموع احساسات مبهم و غیر صریحی که شخص در رابطه با حالت عمومی بدن خود دارد مانند : احساس حسنگی گرسنگی ، تشنگی ، راحتی و ناراحتی و مانند اینها .

حس وضعی : این حس عبارت است از پی هائی که در تمام نقاط بدن منتشر و وظیفه آنها درک حرکات وضعی و عضلانی است ، برای مثال زمانیکه دست یا پا یا هر یک از اعضای بدن خود را جهت انجام کاری حرکت می دهیم